

وزیر محافظه‌کار انبوه فاجعه در آموزش و پرورش

تا وقتی که بودجه آموزش و پرورش به‌طور چشمگیری افزایش پیدا نکند، سخن گفتن از عدالت آموزشی فقط یک هشدار است

هامون سبطی/ دبیر کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت

از همان ابتدا که آقای کاظمی، وزیر آموزش و پرورش از برنامه‌های خودشان صحبت کردند و اظهارنظرهایی در ارتباط با چالش‌های شدید حوزه آموزش و پرورش پس از اجرای مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتند، متوجه شدیم که ایشان متوجه خطیر بودن اوضاع و بحرانی بودن وضعیت آموزشی کشور نیستند، هرچند معتقدیم، وزیر آموزش و پرورش خیرخواه است و برای خدمت بر این صندلی تکیه زده‌اند، اما انتظار نداشتیم که او مسبب برخی از شرایط باشد.

با اینکه رئیس‌جمهوری وعده عدالت آموزشی را داده بود، اما شاهدیم که وزیر آموزش و پرورش، بیشتر خودش را یک مجری می‌داند که از او سلب مسئولیت شده است. ما سه سال پیش به مسئولان عالی‌رتبه کشور گوشزد کرده بودیم که اگر می‌خواهند تحولی در آموزش و پرورش ایجاد کنند، قطعاً جایگاه وزیر این حوزه بالاتر از یک مجری صفر باید باشد. باید کسی باشد که بتواند جلوی فاجعه را بگیرد، اگر نمی‌تواند، باید کنار بایستد و اجازه ندهد کسانی که مسبب این فاجعه‌اند، شرایط را به گردن او بیاندازند. آموزش و پرورش در شرایط فعلی، در حال فروپاشی است و نیاز به یک تحول بزرگ دارد.

حتی در موضوع توزیع شیر در میان دانش‌آموزان، ساده‌ترین وعده‌ها هم محقق نشد، در برخی مناطق دورافتاده کشور، ما شاهد وضعیت عجیب و باورناپذیری هستیم، درس خواندن دانش‌آموزان در مدارس کپری، کانکسی و... و انتظاری که از رئیس دولت و نماینده او یعنی وزیر آموزش و پرورش داشتیم این بود که یک اقدام فوری و جدی در این زمینه انجام دهند، اما دیدیم که او هم دچار سندرم بایدها و نبایدهای مسئولان قبلی است.

بایدها و نبایدها و قوانین را مجلس تعیین می‌کند، ما از وزیر می‌خواهیم بیاید و بگویید که در این مدت چه اقداماتی انجام داده و چه برنامه‌هایی دارد؟ نباید تنها چشم‌اندازها را بیان کرد، باید

نیازها، ملزومات و زمان مورد نیاز را اعلام کند. به هر حال اگر هم وزیر تاکنون تلاشهایی کرده، ما نتیجه‌ای ندیده‌ایم. آیا این وزارتخانه می‌تواند در مردادماه سال آینده از سه میلیون دانش‌آموزان امتحان سالم و بدون حاشیه‌ای برگزار کند؟ چرا تاکنون تغییر و تحرکی در کتاب‌های درسی ندیده‌ایم؟ متأسفانه شاهدیم که منبع درسی دانش‌آموزان یک کتاب است و آنچه برای کنکور می‌خوانند، کتابی دیگر است.

به نظر می‌رسد که در این زمینه سیاست‌گذاری درستی صورت نگرفته است. نمود این کم‌توجهی به مشکلات عمیق و جدی را در ابقای یکی، دو نفر از معاونان وزیر آموزش و پرورش دولت قبل شاهدیم؛ معاونانی که باعث اعتراضات به حق معلمان در اسفندماه دو سال گذشته شدند و نتوانستند آزمون‌های نهایی را با دقت و سلامت برگزار کنند. این افراد همچنان در کنار وزیر آموزش و پرورش قرار دارند، حداقل انتظار مردم این بود که با تحول در ستاد او، بتوان خون تازه‌ای در رگ‌های حوزه آموزش و پرورش دمید، اما هنوز این اتفاق نیفتاده است.

این تحولات می‌توانست اتفاقاتی رقم بزند که ما با آموزش و پرورش متفاوتی با سایر دولت‌ها روبه‌رو باشیم که واقعاً اولویت نبود اما با این روند محافظه‌کارانه، چنین امیدی نداریم. وضعیت آموزش و پرورش ما اصلاً طوری نیست که دنبال پروسه‌های زمان‌بر باشیم، وضعیت حادث‌تر از این حرف‌هاست.

ما باید دنبال پروژه‌های عاجل باشیم تا از فروپاشی آموزش و پرورش جلوگیری شود؛ منظور از فروپاشی این است که آموزش و پرورش و نهاد مدرسه، اعتبار و تاثیرگذاری‌اش را از دست بدهد و خانواده‌های کم‌بضاعت از فرستادن بچه‌هایشان به مدرسه به دلایل زیاد از جمله کمبود امکانات در مدارس و سدهای بسیار در برابرشان جلوگیری کنند؛ به‌ویژه بعد از مصوبه کنکوری اخیر که دانش‌آموزان مدارس دولتی را ناامید کرده است.

از طرف دیگر، خانواده‌های برخوردار هم نهاد مدرسه را جایی برای آموزش و پرورش نبینند و به راه‌های موازی برای آموزش بچه‌هایشان رو بیاورند که نمود بارز آن، مهاجرت‌های پیش از دوران گرفتن دیپلم است. وقتی این اتفاق بیفتد و اهمیت مدرسه به این سرعت از نگاه خانواده‌ها کم شود، با افزایش ترک تحصیل هم مواجه می‌شویم؛ بخشی از آمار ترک تحصیل دانش‌آموزان، فقر فرهنگی و مالی نیست، بلکه ناامید شدن خانواده‌ها از نهاد مدرسه است، بنابراین وزیر آموزش و پرورش در

برابر این فجایع نمی‌تواند فقط یک مجری باشد؛ یا باید برای آنها راهی بیاندیشد یا اگر نمی‌تواند کاری بکند، زیر بار مسئولیت این اتفاقات برود.

وزیر آموزش‌وپرورش باید کارهای فوری‌ای انجام می‌داد؛ در درجه اول اصلاح ساختار آموزش‌وپرورش که اگر ستاد کارآمدی بود وضعیت بهتر از این بود اما ایشان خیلی محافظه‌کارانه در این حوزه پیش رفتند. موضوع بعد، وضعیت ناشایستی است که در مناطق محروم ایران وجود دارد و از این طریق، جلب افکار عمومی و بودجه بیشتر در سال پیش‌رو می‌توانست اتفاق بیفتد، اما در این مورد هم اقدامی از آموزش‌وپرورش ندیدیم. تا وقتی که بودجه آموزش‌وپرورش به‌طور چشمگیری افزایش پیدا نکند، سخن گفتن از عدالت آموزشی فقط یک هشدار است که شاید نمکریختن روی زخم مردم باشد.

منبع: روزنامه هم‌میهن 5 اسفند 1403 خورشیدی